

دوكتور صلاح الدين سعدي - سعيد افغاني



حکومت وحدت ملی و ناکامی دیموکراسی در افغانستان!

درین روز ها برحق در اذهان مردم ما سوالات مطرح اند که این سوالات سبب ابهامات و تشویش ها همراه با انتقادات از رهبری تیم های انتخاباتی ریاست جمهوری ۹۳ را با خود به صورت صریح و مضمر دارند. وضع مشوش و غیر روشن در ذهن بعضی از طرفداران این تیم های انتخاباتی و بخش از مردم ما بخاطر این هم نطفه گرفته و وجود دارد که بخش از تصویری از حدود و ثغور «حکومت وحدت ملی» با تصور، برداشت و تجربه ملت ما از جنبه عملی و کاری «حکومت وحدت ملی» مطابقت نمی کند. اگر موضوع را به در حالت ما به صورت مشخص و مستقیم تحت مذاقه قرار دهیم در خواهیم یافت آنچه گفته میشود به این معنای هم بوده میتواند که این حکومت به مجرد ایجاد مطابق به برنامه ها و معتقدات ممثلین دست اول این دوتیم هم برای راضی ساختن پاکستان و ایران کار خواهند کرد و هم منافع و مصالح کشور و مردم افغانستان را در نظر داشته و آنرا اولویت خواهند داد و این دو در موارد باهم تناقض دارند.

این حاکمیت هم مصالحه سیاسی را سیاست ضروری به هدف خارج ساختن وسیله و آله وحشت و دهشت از دست دشمن بداند و هم این سیاست را رد کند .

این حاکمیت هم تأریخ این وطن را تأریخ، افتخارات و عزت وطن را مملو از جعل و تحریف بداند و هم با قبول بی عدالتی های موجود در تاریخ جوامع عزت و افتخار کشور را عزت کند و با یک نیک نگری بدون تفرقه و انحطاط به اندیشه های منحنی قومی به ساختن افغانستان مربوط به همه ملت دانسته و برای شگوفایی جمیع ساکنان و اقوام ساکن آن کار کند.

و این حاکمیت هم تاریخ افغانستان را تاریخ اقوام خوانده و آنرا جعل و تدویر بداند و حتی نام افغانستان را و افغان را نپذیرد و هم بایک دید وسیع افتخارات وطن را دفاع نموده و به مسایل تاریخی به علمی نگاه کند و افتخارات را قدر دانی کند .

از جانب دیگر چنین بخش های در دو برنامه و افکار بخش اعظم ممثلین این دوتیم نیز وجود دارد که ملت بر آن مهر صحنه گذاشته و آنرا میپذیرد اما بخش از موارد است که با هم همخوانی ندارد و ملت به هر دوی آن مهر صحنه گذاشته نمی تواند و نه خواهد گذاشت .

درین صورت و درین حالت اصلاً و کار برای هر دوی این برنامه ها و کار برای تحقق تمام برنامه های تمام ممثلین اصلی این دوتیم اصلاً ناممکن است و روی کار کردن کادر ها با این دو تصور و اندیشه های متضاد و این طرز دو ویا بیشتر طرز تفکر در موارد متضاد در یک تیم تحت هر عنوان و از جمله تحت نام « حکومت وحدت ملی » نادرست، ناکام و غیر عملی است .

درین صورت نظر اینکه ملت به پای صندوق رای رفت و قربانی داد اما در نتیجه معامله صورت گرفت و قربانی های ملت بخاطر رفتن به پای صندوق های رای با تشکیل چنین « حکومت وحدت ملی » با برنامه غیر متجانس فوق، به نحوی توجیه شده میتواند .

از جانب دیگر در برنامه های هر دو تیم و شخصیت های پیشتاز آن تعداد زیادی از مسایل، افراد و اشخاص ملی موجود اند که به یقین بعد از روشن شدن نتایج انتخابات ۹۳ و بعد از تفتیش نهایی در توافق و در چوکات برنامه های تیم برنده، میتوانند توافق کرده و به این ترتیب این توافق دوتیم و وساطت جناب جان کیری به نحوی که هر دو تیم به نحوی برنده اعلام میشوند، میمون خوانده شده و از آن استقبال میگردد .

این روش و این برخورد به یقین مورد استقبال ما ست و آنرا پختگی و کلتور عالی سیاسی دانسته و ضرورت جدی بخاطری میدانیم که باز هم نیرو های خیر با هم دست بدست هم داده در مقابل دشمنان ملت افغان با هم مانند مشت آهنین بسیج و متحد شده و برای اهداف مشترک ملت و وطن کار مشترک کنند. این روش نشانه روشن از کلتور عالی سیاسی و پختگی سیاسی خواهد بود و ملت آنرا به دیده قدر خواهد نگریست و انشاء الله نزد دربار الهی نیز پاداش و اجر عظیم خواهد شد .

این روش است که سیاسیت و رفتن به سیاسی و کار در چوکات آن عبادت خواهد بود و نه فریب، غدر و فتنه .

این حالت خواهد بود که تلاش های ملت، قربانی ها و زحمات ملت به هدر نه رفته و کارسازنده خواهد بود .

در صورت روش مثبت بالا استدلال آنهاییکه تأکید دارند که اگر به هر قیمت توافق میشد حد اقل به دور دوم انتخابات با قبول این همه مصارف مادی و معنوی نه می رفتند، موجه نمی باشد .

درین صورت انتخابات و انتخاب مردم به جایش باقی و به آن ارزش داده میشود. برنده انتخابات تیم کاری میسازد که برای تطبیق برنامه ای کار کند که آنرا به ملت پیشکش کرده، مشروعیت آنرا از ملت بدست آورد و اینک در تحقق آن از تیم درجه دوم درنتایج انتخابات به متناسب قوت واقعی ایشان استفاده اعظمی بخاطر منافع و مصالح کشور مشترک مینماید.

تصورات و برداشت ها منفی در نظر اول و با دید ظاهری در صورت موجه جلوه میکنند که برداشت و فهم ما ازین حاکمیت « وحدت ملی » همان شرکت سهامی و معامله گری در غیاب ملت و رفتن به راه است که در آن عملی کردن شعارهای هر دو تیم در همه موارد و پیشکش کردن افراد باشد که افکار شان در تناقض باین برنامه های تیم برنده و کار مشترک در تناقض باشد .

یکبار دیگر باید قبول کرد که عمق مسأله و شناخت در مورد حکومت « وحدت ملی » را باید دقیق و درست ساخت تا از تشویش ها رهایی یابیم .

اگر دیموکراسی و نظام دیموکراتیک حاکمیت مردم، توسط مردم و بخاطر تحقق اهداف و ارزش های مردمی وسیله ای است برای تحقق انتخاب مردم و درین وسیله انتخاب

اکثریت ملت است که با براه اندازی میکانیزم مراجعه به مردم انتخاب برنامه و شخصیت های مجری برنامه را مانند محک و ملاک اساسی در پیش میگیریم، درین صورت یگانه وسیله خوب ممکن است که بشریت در دست و در اختیار دارد .

انتخاب دیگر حتی گزینه بهتر از جمله دیموکراسی مستقیم و اجرای امور به صورت مستقیم باوجود اینکه بهتر و عادلانه تر است اما عملاً غیر ممکن همان دیموکراسی مستقیم است. در تاریخ جوامع بشری دیموکراسی مستقیم برای مدت کوتاه در یونان در محل محدود عملی شد و صورت گرفته اما برای مدت طولانی عملاً کار کرده نتوانسته است . بشریت درین زمینه و در عالم اسباب همین را دارد و در همین چوکات دیموکراسی کار کردن و مطابق اصول دیموکراتیک کاردرین راستا برای ارزشهای ملت مسلمان ما که حدود و ثغور خود را دارد، ممکن میباشد .

مسئلاً دیموکراسی به این مفهوم اصلاً در مطابقت به دین مبین اسلام بوده و به هیچ صورت در منافات به آن قرار ندارد .

لازم به تذکر میدانم که عده یا در جوامع مختلف جهان و اروپا با ارزش های متفاوت و ارزش های غیر از ارزش های جامعه افغانی و اسلامی و یا از این جوامع و با برداشت ارزشهای این جوامع این ارزش های را معیار اساسی مؤفقیت و عدم مؤفقیت دیموکراسی در افغانستان قرار داده و در مورد مؤفقیت و عدم مؤفقیت دیموکراسی در افغانستان به اساس تحقق این ارزشهای غیر از ارزشهای افغانی قضاوت میکنند. مؤفقیت دیموکراسی را در افغانستان با تحمیل و پیاده ساختن این ارزشهای غیر از ارزشهای جامعه افغانی و اسلامی مرتبط میدانند، در حالیکه این فهم از دیموکراسی کاملاً میباشد. چنین معیار برای مؤفقیت و عدم مؤفقیت در افغانستان معیار نادرست و عدم فهم از دیموکراسی به مفهوم واقعی کلمه است، کاریکه در تمام دوران هفت سال اول جاکمیت جناب حامد کرزی به آن تأکید میشد .

از جانب دیگر مسلمان هستند ارزشهای عام قبول شده بشری که در مورد به صورت عمده توافق عام جامعه بشری وجود دارد و تطبیق آن در همه جوامع بشری کدام مشکل عمده نه خواهد داشت و نباید داشته باشد .

مشکل زمانی داغتر میشود که عده ای و یا حلقهات معین سازمان ها و حرکات مانند «مبارزات اروپایی حقوق بشر برای افغانستان» را بسازند و در پی عملی کردن و

تحمیل ارزشهای غیر از ارزشهای جامعه ما بوده و تحت این نام افکار منحط قومی و لسانی را عملاً دامن زده و خلاف نورمهای سازمان های مدنی و اجتماعی به کار سیاسی منحرف پردازند. این حالت و به این ترتیب نفرت مردم را در مقابل کلمات حقوق بشر، دیموکراسی و حتی آزادی بیان تقویت کنند.

دقیق است که در انتخابات شفاف و عادلانه برنده در واقعیت برنده بودن برنامه و انتخاب اشخاص اند که ملت آنرا برای تطبیق این برنامه برگزیدند. به این ترتیب اگر تیم کاندید در انتخاب برنامه و شخصیت های پیش تاز قبل از انتخابات گزینه و حق انتخاب داشت، بعد از نتایج انتخابات دیگر این گزینه و انتخاب برنامه را ندارد. این تیم برنده مکلف است مانند قرارداد، به تطبیق همان برنامه پردازد که ملت به آن صحه گذاشته. ایجاد دولت شرکت و حاکمیت شرکت سهامی و تخلف از برنامه ای که ملت به آن صحه گذاشته است جز خیانت به رأی ملت چیز دیگری تعبیر شده نمی تواند و نیست.

چنانچه گفته آمدیم فهم ما از تفاهم و توافق دوتیم اشتراک کننده در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری ۱۳۹۳ افغانستان به میانجیگری آقای جان کیری وزیر خارجه امریکا چیزی خارج ازین شده نمی تواند و نباید باشد.

چنانچه گفته آمدیم به این ترتیب آراء مردم و انتخاب مردم به این توافق به وساطت امریکا به خاطر به هدر نه رفت و ضایع نه شده که تیم برنده درین انتخابات تیم است که حکومت را میسازد و برنامه های قبلاً تقدیم شده به ملت را عملی و تطبیق میکند. اما این تیم به معنای کلاسیک سخن که تیم بازنده صرف نقش اپوزیسیون را بازی کند و آینه قدنمای حاکمیت باشد و الترناتیف بدهد و ملت را با برنامه هایی بهترخویش با نقد از حاکمیت مساعدت کند، نمیباشد.

درین مودل ما تیم برنده مکلف به تطبیق برنامه پیشکش شده خویش توسط افراد است که به ملت قبل از انتخابات تقدیم شده بود و درین پروسه رئیس جمهور رئیس جمهوری همان کتله وگروپ برنده نیست بلکه رئیس کل جمهوری ملت است.

درین ملت تیم بازنده در انتخابات نیز شامل است به این تفاوتیکه تیم بازنده در انتخابات مانند یک واقعیت جامعه و با داشتن نیرو کادری لازم و امکانات عملی درجه دوم حق وامکان سهم در دولتداری را متناسب به مقام خویش در جامعه به صورت عینی داشته مییابد.

عدم مراعات این مسأله و این ملحوظ و به نحوی نفیہ رول و اهمیت این مقام دوم سیاسی در جامعه خاصاً در شرایط شکننده کشور ما به جزء ضرر به چیزی دیگری نہ خواهد انجامید. آنرا درست و بجاء ہم نمی بینیم .

تیم برنده مکلف است کہ از تمام کادر های مسلکی پیش کش شده توسط تیم مقام دوم به صورت درست و کامل متناسب به واقعیت های جامعه استفاده نماید تا بر برنامه های صحنه گذاشته شده توسط ملت به صورت قوی کار صورت گیرد و تطبیق شوند.

تلاش تیم در مقام دوم برای عملی کردن سیاست کادری خویش و یا تطبیق برنامه هایکه در تناقض با برنامه های تیم برنده در انتخابات باشد در تناقض به اهداف دیموکراسی و عبور از خطوط سرخ کشیده شده درین عرصه محسوب میشود. درین صورت بهتر است تیم بازنده مقام کلاسیک خویش را کہ ہم بس مهم است مانند اپوزیسیون سازنده بازی کند. بلی تعییر دیگر از مسأله کہ منجر به ایجاد شرکت سهامی شده و با تهدید و اعمال غیر سازنده روش های مافیایی بکار برده شده و وضع به بحران برده خواهد شد کہ وضع مردود و غیر قابل قبول میباشد. ملت با درک ما درین راستا با چنان درایت و پختگی سیاسی هر اقدام را با خواندن وسط سطر ها، خواندن روی ورق، پشت ورق و وسط سطر ها متوجه تخلف و عبور از خطوط سرخ بود و با بردباری تمام ناظر آن است و قضاوت خویش را دارد. میدانند و درک میکنند کی مسؤلیت ایمانی، اخلاقی، وجدانی، سیاسی و جزایی تخلف به دوش کسانی خواهد بود کہ درین راستا به تخلف تلاش دارند .

تلاش برای تغییر قواعد بازی در جریان بازی و تأکید بر به تغییر قواعد و شرایط قبلاً توافق شده و تغییر یکجانبه آن در حالیکه پروسه با قبول قواعد معین آغاز گردیده به صورت صریح عبور از خطوط سرخ است و آنرا انحراف و روش های غیر قابل قبول میدانیم .

دستبرد در صدوق ها و استفاده از امکانات موجود خویش در نیرو های امنیتی کشور به صورت غیر متوازن تلاشهای خواهد بود کہ هیچ جانب جز دشمن از آن بهره نہ خواهد بود .

در مورد اینکه حاکمیت جدید باید در عرصه های اقتصادی، سیاسی و کدري چه تدابیر کلیدی را حتی در روز های اول حاکمیت خویش مانند برخورد کلیدی و اولویت دادن به کدام بخش از کار آغاز کند، محتوی نوشته دیگر خواهد بود کہ روی دست دارم .

ما بخاطر رسیدن به صلح پایدار، رفاه و تعالی سیاسی اقتصادی ضرورت به اختراعات جدید هم نداریم. برماست با صداقت و بردباری و با قاطعیت در تطبیق اصول و برنامه های طرح شده و قوانین خوب با جدیت بی سابقه ای کار و تلاش خیر بداریم.

اتهامات، افتراآت و تقلبات انتخاباتی، صحت و سقم آنها، اصلاح سیاست کدري و روش های مشخص روی کار کردن این روش های معقول، وارد کردن تغییرات کلیدی در روش انتصاب و انتخاب افراد برای پُست های کلیدی سیاسی و مسلکی مانند والی ها، ولسوال های، قوماندان ها و وزراء، سفارش های مشخص تمرکز ارگانهای مرکزی بر کار کلیدی عوض کار در مسایل انفرادی، پیشکش کردن برنامه های کاری با دادن اولویت به بخش های مشخص کاری که سبب اشتغال زایی شود و روی دست گرفتن برنامه های کاری اقتصادی که برای کشور بصورت بنیادی باشند و به صورت محسوس بر دسترخوان مردم تأثیر مثبت داشته و عدم تمرکز به کار های فرعی توسط ارگانهای کلیدی برنامه ها با اولویت خاص در قسمت از بین بردن محاصره های جغرافیایی، کار برای مواضلات ریل و استفاده از آبها و معادن به صورت بلا تأثیر و بلاخره کار راستین برای مصالحه سیاسی به مفهوم واقعی کلمه، تلاش و زمینه سازی برای ایجاد و تشویق رشد و انکشاف احزاب سیاسی سرتاسری محتوی نوشته های دیگر من را تشکیل خواهد داد که عنقریب خدمت شما مانند طرح ها جهت تکمیل و شریک سازی با شما تقدیم خواهند شد.

په پیش به سوی افغانستان متعلق به همه این ملت و به پیش به جانب صلح، ترقی و تعالی.

زنده باد زعامتیکه منافع ملی و مردمی را بر منافع سمتی، قومی، گروهی و جیبی خویش برتریت دهد.

پایان

Email: strategicstudies@yahoo.com

تلفون : ۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

۲۰۱۴/۰۷/۲۲